

کاربرد طنز و شوخی در زبان عامیانه

ریحانه خاتون*

طنز در لغت به معنی نکته ظریف است که با شوخی همراه باشد و شوخی به معنی گستاخی است. سعدی می گوید:

نه قوتی که تو انم کناره جستن از او نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم
همین طور مزاح به معنی هزل، شوخی کردن، خوش طبعی و با مزگی است. باز هم سعدی می گوید:

بهمزاحت نگفتم این گفتار هزل بگذار و جد از او بردار^۱

و در لغات عرفا هست که مزاح آن است که چون اهل حال همواره راحت اوقات خود را در وجد مخفی گذرانند، گاهی از جهت راحت قلوب، بر سبیل مزاح، نفوس را رخصت دهند و آن را آزاد گذرانند تا از ملالت برهند، و این برای کسی است که در مقام قربت متمکن گردیده باشد و از پایه طبایع خلق ترقی کرده باشد و اوقات مصلحت نزول با طبایع را بداند، و برای مبتدیان چنین وصفی مکروه است، ولی صوفیان را که نفوس آنها در تحت سیاست علم مقهور گشته و بقایای هوی از آن برخاسته بود، روا بود.^۲

در اصطلاحات زبان‌شناسی اجتماعی به‌واژگان و تعبیرهایی برمی‌خوریم که از سوی طبقه‌ای خاص یعنی جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به آنها اسلنگ (slang)

* استاد فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین مصلح: کلیات سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، ص ۹۶؛ فرهنگ معین، ص ۴۰۵۷.

۲. مشیری، [دکتر] مهشید: فرهنگ فارسی، ج ۲، نشر پیکان، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۲، ص ۱۶۸۹.

گفته می‌شود یعنی کلمات و ترکیباتی که اغلب جوانان و قشر خاصی از مردم هر جامعه وارد زبان خود می‌کنند که پایدار نیست و بزودی جای خود را به کلمات تازه می‌دهد. درین مقاله بعضی از اسلنگ‌هایی که دارای نوعی شوخی و طنز هستند، مورد بحث قرار می‌گیرد:

- جوانان به جای حال شما خوب است می‌گویند «خوبی یا بچرخم» چرخیدن به معنی این است که فردی دَوَرِ خودش می‌چرخد یعنی دور خودش می‌گردد و این مسأله باعث خندهٔ کسانی می‌شود که او را در حال چرخیدن به دور خودش می‌بینند. پس فردی که می‌گوید «خوبی یا بچرخم» یعنی این که تو خوب هستی یا من به دور خودم بچرخم و تو مرا ببینی و بخندی و احساس خوبی داشته باشی. همین‌طور «خوبی یا بلنگم» یعنی فردی که نمی‌تواند درست راه برود یا یک پای او از دیگرش کوتاه‌تر است و فرد درست راه نمی‌رود و افرادی که او را در این حالت می‌بینند، می‌خندند. پس وقتی که می‌گویند «خوبی یا بلنگم» یعنی این که آیا حالت خوب است یا من بلنگم و تو مرا ببینی و بخندی و احساس کنی که حالت خوب است.
- بعضی‌ها به طنز می‌گویند: «رفلکست تنظیمه». reflex قطعه‌ای در ماشین است که باید حتماً تنظیم باشد، اگر تنظیم نباشد ماشین خراب می‌شود و نمی‌تواند به خوبی کار کند. پس وقتی به کسی می‌گویند «رفلکست تنظیمه» یعنی او را به یک ماشین تشبیه کرده‌اند که اگر reflex آن تنظیم نباشد خوب نیست یعنی جایی که می‌خواهد بزودی یا سُر وقت برسد نمی‌شود، چون ماشین خراب است.
- و حال در جواب احوال‌پرسی به جای این که بگویند که من خوب هستم، می‌گویند «حالم را دادم موکت کنن». حال به معنی احوال است ولی یک حال با های دو چشم دارند به معنی سالن نشیمن و وقتی که می‌گویند که حالم را دادم موکت کنن منظور این حال با های دو چشم است. پس چون می‌گویند که حال یا اطاق را دادم موکت کنن یعنی با موکت کف آن را فرش کنند. موکت یک نوع فرش کم قیمتی است که ما آن را rug می‌گوییم. در واقع نوعی پاسخ طنزآمیز و همراه شوخی در جواب «حالت چه طور است» از جانب مخاطب داده می‌شود.

- «کفشِ پاتم» نشان دهنده فروتنی و تواضع به زبان طنز است. یعنی من در برابر تو بسیار کوچک مثل یک کفش در پای تو هستم.
- میخ اگرچه میله فلزی یا چوبی است که یک سر آن باریک و تیز و سر دیگر آن پهن است و یا کلاهکی دارد، اما واژه «میخ» وقتی به کار می رود که فردی مدت زمانی بی حرکت به کسی نگاه می کند و شخصی که در مقابل قرار گرفته است، اعتراض می کند و می گوید «میخ نشو، چکش نداریم». چکش آلتی آهنین با دسته ای چوبین شبیه به تیشه است که بدان آهن و میخ و غیره را می کوبند.
- اگر یک نفر نمی گذارد که کار خودتان را انجام بدهید، به وی می گویند «موی دماغ» شده، یعنی مزاحم کارتان است.
- به انسان هایی که بسیار سیگار می کشند «دودکش» گفته می شود زیرا مرتباً از بینی و دهان آنها دود بلند می شود، مثل دودکش بخاری که از آن دود بلند می شود.
- اگر به کسی «عتیقه» می گویند، به معنی بسیار قدیمی و آنتیک (antique)، یعنی خیلی پیر است.
- عبارت «آمپرش بالا رفته» یعنی temperature high شده است و یا «سوپاپش بیرون زده» برای موقعی استفاده می شود که فردی بسیار عصبانی است، زیرا بالا رفتن آمپر (phase) آب ماشین و بیرون زدن سوپاپ (pump) آن، نشانه جوش آوردن رادیاتور (radiator) و در نتیجه خوب کار نکردن و از کار افتادن موتور ماشین است.
- «یاتاقان زده» برای کسی استفاده می شود که می خواهند بگویند پیر و خسته و فرسوده شده است. یاتاقان قسمتی از قطعات ماشین است. دو نیم دایره در اتومبیل، جایی که دسته پیستونها (pistons) بر روی میل لنگ نصب می شود قرار دارد. یاتاقان وسیله ای فلزی یا لاستیکی یا چرمی است که از سائیده شدن بازوی چرخ جلوگیری می کند. پس یاتاقان باید همیشه در روغن شناور باشد و وقتی به کسی گفته می شود یاتاقان زده مراد این است که مثل ماشین فرسوده و کهنه شده است (یعنی پیر شده است).

- وقتی که یک اتومبیل به صافکاری (servicing) می‌رود کاملاً تمیز و مرتب می‌شود و عیوب آن برطرف می‌گردد. صافکاری عمل و شغل صافکار است. پس به کسی که به آرایشگاه رفته باشد برای تراشیدن صورت یا از بین بردن چین و چروک و لگه و غیره، می‌گویند «رفته صافکاری».
- «گل‌گیر» یکی از قطعات ماشین است که در اتومبیل، موتورسیکلت و دوچرخه قرار دارد برای جلوگیری از پخش شدن گل‌هایی که بر اثر دوران چرخ‌ها به بیرون پرتاب می‌شود. گل‌گیر پوششی فلزی یا پلاستیکی است که به صورت قاب محدب دایره‌ای شکل روی چرخ‌ها را می‌پوشاند که به انگلیسی (mudguard) می‌گویند. وقتی که موهای دو طرف صورت (خط و خد یا به انگلیسی side burns) فردی در حال سفید شدن است و دارد پیر می‌شود، می‌گویند «گل‌گیرهایش سفید شده است».
- دیفرانسیل یکی از قطعات ماشین است که نیروی لازم را بنابر احتیاج چرخ‌ها به آنها منتقل می‌سازد و چون سر پیچ‌های چرخ به یک سرعت نمی‌گردند، باید نیرویی که بر آنها وارد می‌شود، غیرمساوی باشد. پس نبایستی دیفرانسیل خیلی پایین قرار بگیرد. وقتی که کسی قسمت پایین بدنش کوتاه‌تر از بالا تنه‌اش باشد، چه مرد و چه زن، می‌گویند که «دیفرانسیل پایینه».
- یک معنی دیگر این است که دیفرانسیل اگر کهنه و قدیمی باشد، خوب کار نمی‌کند. پس «دیفرانسیل پایینه» به طنز به آنها می‌گویند که قدیمی‌اند و مُدرن نیستند.
- وقتی نمی‌خواهند به کسی توجه کنند و در عین حال می‌خواهند او را از سر خود وا کنند برای تمسخر به او می‌گویند «برو جلو بوق بزن».
- فاز (phase) مخصوص کنتور برق است که با فاز مثبت و منفی هردو کار می‌کند. اگر یک فاز نداشته باشد، نمی‌تواند جریان برق را از خود عبور بدهد. برای انسانی که برایش «یک فازش کمه» به کار می‌برند، معمولاً مغزش معیوب است و دچار خنگی (dumb) و حماقت می‌باشد.
- به کسانی که گوش‌های بسیار بزرگی دارند، به طنز می‌گویند که «آیینهُ بغل اتوبوس» و کسانی را که یک چشم آنها کار نمی‌کند «یک لامپی» می‌گویند.

- در مسابقات فوتبال «آف ساید» استفاده می‌شود یعنی خارج از محدوده قابل قبول میدان. این یکی از خطاهای ورزشی در بازی میدانی است. پس «دماغش توی آف ساید است» برای کسانی به کار می‌رود که بینی‌شان بسیار بزرگ و خارج از حد معمول است.
- اگر کسی شکم بسیار بزرگ دارد، آن را به تراس (terrace) یا بالکن تشبیه می‌کنند و می‌گویند که «بدون اجازه شهرداری بالکن زده است». همین‌طور چون رجال و شخصیت‌های برجسته مملکت در بسیاری موارد دارای شکم‌های بزرگی بوده‌اند پس به آنها می‌گویند «جزو شخصیت‌های برجسته مملکت شده است».
- واژه «۱۸ قدم» را در مسابقات فوتبال برای منطقه حساس به کار می‌برند. کسی که پا را از گلیم خود فراتر گذاشته است و در کارهایی که مربوط به او نیست دخالت کرده است، می‌گویند که طرف تو ۱۸ قدم رفته است.
- کار رنگرزی این است که پارچه و لباس را از رنگی که دارد به رنگ دیگری درمی‌آورند. فردی که بسیار دروغ‌گوست نیز همین‌طور است که واقعیات را تحریف می‌کند و به صورت دیگر می‌آرد. پس به او می‌گویند «رنگرزی داره» یا «ماست‌بندی داره». ماست‌بند شیر را به ماست تبدیل می‌کند، دقیقاً کاری که فرد دروغ‌گو می‌کند نیز همین است.
- «سازمان گوشت» به انسانهای بسیار چاق می‌گویند. سازمان گوشت محلی است که لاشه حیوانات را پس از ذبح در آنجا نگه می‌دارند و سپس به قصابی‌ها برای توزیع و فروش می‌فرستند، و در این محل گوشت فراوانی وجود دارد.
- «سییلش چهل بیل» به مردانی گفته می‌شود که سیل بزرگی دارند. سیل همان (mostache) است ولی اگر به صورت جدا نوشته می‌شود سی بیل می‌شود. پس عدد سی را بزرگ کرده به چهل تبدیل می‌کنند و می‌گویند که سییلش چهل بیل است.
- به کسانی که بسیار لاغر و دراز هستند به طنز می‌گویند «صبحانه نان و پنیر و نردبان می‌خورد». لاغری این افراد را به نردبان تشبیه کرده‌اند. مثل این که این افراد همراه نان و پنیر نردبان را هم می‌خورند و به همین دلیل مثل نردبان خشک و دراز و لاغر هستند.

- دوزاری (= دو هزاری/معادل دو ریال) نوعی از سگه‌های رایج در کشور ایران بوده که برای استفاده در تلفن‌های عمومی به کار می‌رفته است. اگر یک سگه دوزاری کسی کج بود نمی‌شد از آن در این مورد استفاده کرد. اگر به کسی بگویند که «دوزاریش کجه» یعنی این که او متوجه قضایا نیست و نباید به او توجه شود و باید او را کنار گذاشت.
- به افراد بی‌کار که فقط راه می‌روند و نگاه می‌کنند می‌گویند «مهندس ناظر». زیرا مهندس ناظر شخصی است که نظارت به ساختمان‌سازی می‌کند، مرتب راه می‌رود و ساختمان را نگاه می‌کند تا مشکلی در ساختن نداشته باشد.
- کسانی که بسیار خبرچین هستند، مثل آنتن تلویزیون که بر بام خانه نصب می‌شود و از همه خبر می‌دهد «آنتن» می‌گویند.
- به کسی که در کار دیگران دخالت می‌کند، مثل نخست وزیر که حق دارد در کار وزرا دخالت کند و نظر خود را اعلام کند، وی را «نخست وزیر» می‌گویند.
- به دانش‌آموزان تنبل «دانشمند خاموش» می‌گویند، زیرا هیچ علمی برای عرضه ندارد.
- اگر کسی اظهار علم و فضل کند و معلوم باشد که چیزی نمی‌داند و فقط ادعا می‌کند، به او به‌طنز می‌گویند «فردوسی شدی شعر می‌گی» یا «تو بگو، کیه که گوش کنه؟» (که هست که گوش کنه؟) یعنی چون ما می‌دانیم که تو چیزی نمی‌دانی به آن دقیق گوش نمی‌دهیم و از آن استفاده نمی‌کنیم ولی تو حرف خودت را بگو.
- به کسی که خیلی می‌خندد می‌گویند «نخند، مسواک گرون می‌شه». یعنی وقتی خیلی می‌خندی دندان‌هایت دیده می‌شود و مجبور می‌شوی برای سفید و تمیز نگه داشتن آنها مسواک فراوان استفاده کنی و مصرف مسواک بالا می‌رود و مسواک در بازار کم و گران قیمت خواهد شد.
- به کسی که عینک کثیف دارد و آن را تمیز نمی‌کند، به‌طنز می‌گویند «با جواز عینک، برف پاک‌کن هم می‌دهند». یعنی اگر جواز عینک را نشان بدهی به تو برف پاک‌کن (wiper) که وسیله‌ای است که جلوی شیشه اتومبیل نصب شده است تا برف روی شیشه اتومبیل را پاک کند، به تو می‌دهند تا شیشه عینکات را تمیز کنی و خوب بتوانی ببینی.

- «بیست و چهارت را بکن بیست و هشت» به کسانی گفته می‌شود که بسیار تنبل هستند و به راحتی از وقت استفاده نمی‌کنند. پس به طنز از آنها خواسته می‌شود که شبانه روز را به جای بیست و چهار ساعت، بیست و هشت ساعت فرض کنند و زمان بیشتری را به کار و عمل اختصاص دهند.
 - «کیک خامه‌ای» (cake) به خانم‌هایی گفته می‌شود که خیلی آرایش می‌کنند و مثل یک لایه خامه که برای تزیین روی کیک می‌ریزند، اینها هم برای تزیین چهره‌شان از لوازم آرایش فراوانی استفاده می‌کنند. و وقتی خانمی پس از چند ساعت دوباره آرایش خود را تجدید می‌کند می‌گویند «خاکه رو خاکه کرده» (ته بر ته کردن).
 - رادار نوعی وسیله است که با آن امواجی را می‌فرستند یا می‌گیرند و ازین طریق از اخبار مطلع می‌شوند. کسانی را که حواس‌شان جمع است یعنی با ذکاوت و با هوش هستند می‌گویند «رادار شما خوب کار می‌کند».
 - خشت، آجر ناپخته و خام و نوعی مصالح برای ساختن ساختمان است که ظاهر زیبایی ندارد. ظاهراً به فردی که بسیار زشت است می‌گویند «آس خشته».
 - به فردی که مدتی خیره به کسی نگاه کند می‌گویند «شناختی، دُمت را تکان بده». یعنی طرف مقابل را به سگ تشبیه می‌کنند، زیرا همان‌طور که سگ به صاحب خود خیره نگاه می‌کند و دُمش را تکان می‌دهد او هم خیره به دیگران نگاه می‌کند و این نوعی بی‌ادبی محسوب می‌شود.
 - اگر کسی را ببینند که اتومبیل خراب و فرسوده سوار شده است، می‌گویند «ماشینش ژنبزه». ژنبز مخفف دو کلمه ژیان و بنز است. ژیان اتومبیلی قدیمی و کوچک و ارزان قیمت بوده، درحالی‌که بنز یک اتومبیل گران قیمت و درجه یک است.
- طنز به صورت (slang)، از سوی جامعه به آسانی پذیرفته نمی‌شود. چون زبان معیار و رسمی هر جامعه‌ای بیشتر زبان افراد تحصیل کرده و با سواد است که دارای فرهنگ خاصی هستند. اما آموختن این نوع عبارات و جملات برای نویسندگان داستان، فیلم نامه‌نویس‌ها، نمایشنامه‌نویس‌ها که گاهی شخصیت‌های آثارشان جوانان و ارادل و اوباش هستند ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین مصلح: کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، قطعات و رسائل)، به‌اهتمام محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم ۱۳۶۵ ه.ش.
۲. مشیری، [دکتر] مهشید: فرهنگ فارسی، ج ۲، نشر پیکان، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳. معین دشتی، [دکتر] محمد معین: فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم ۱۳۷۱ ه.ش.